

نگاه

ابوالفضل زهرهوند
سفیر سابق ایران در کابل

نگاه ابزاری امریکا به طالبان

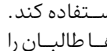
افغانستان از زمان به قدرت رسیدن طالبان در آگوست ۲۰۲۱ شاهد حکومت یک جریان بی‌ملت بوده است. جریانی که بیشتر یک متغیر وابسته به دیکران است که بسیاری از اقداماتش را در عرصه خارجی متأثر از این متغیرها انجام می‌دهد. از جمله این متغیرها بازیگران بین‌المللی و در رأس آنها ایالات متحده به شمار می‌آید که تلاش می‌کنند طالبان را به یک ابزار برای تنش‌افزایی‌های جدید در منطقه تبدیل کنند. نقطه هدف تلاش امریکا ایجاد فضای بحرانی علیه جمهوری اسلامی است که دارای مرزهای مشترک گسترده با افغانستان است. این در حالی است که ایران در حال حاضر بر سر موضوع حقایق هیرمند، با طالبان دچار چالش است و امریکا تلاش می‌کند از این مؤلفه برای ایجاد تنش در منطقه و روابط ایران و افغانستان استفاده کند.



در حقیقت امریکایی‌ها طالبان را به عنوان سرمایه ژئوپلیتیک خود می‌بیند که می‌تواند به خدمت تمام خواسته‌های این کشور در منطقه دربیاید. وقتی توافق دوحه صورت گرفت و با چراغ سبز امریکا طالبان توانستند قدرت را به دست گیرند، این امر نمی‌توانست بدون مابه‌ازا برای امریکایی‌ها باشد زیرا دیگر این واقعیت ثابت شده که آنها تصمیم به ترک منطقه ندارند و در دوره پس از خروج خود از افغانستان، تلاش کرده‌اند طالبان را به ابزاری برای تحقق اهداف خود تبدیل کنند. بنابراین جنگ برای امریکایی‌ها هنوز تمام نشده است و امید دارند که دوباره صحنه را به نفع خود در دست گیرند، بویژه که در ماه‌های اخیر در جنگ اوکراین، ناگامی زیادی را تجربه کرده‌اند و حالا نمی‌خواهند این اتفاق در صحنه منطقه و در قبال ایران تکرار شود.

سیاستی که جمهوری اسلامی ایران تا اینجا در قبال افغانستان تحت سرپرستی طالبان در پیش گرفته، بهترین سیاست بوده است؛ یعنی تأکید بر تشکیل دولت فراگیر، تا هنگامی که دولت فراگیر در افغانستان تشکیل شود، حل و فصل بحران‌های جاری در این کشور امری خواهد بود

سیاستی که جمهوری اسلامی ایران تا اینجا در قبال افغانستان تحت سرپرستی طالبان در پیش گرفته، بهترین سیاست بوده است؛ یعنی تأکید بر تشکیل دولت فراگیر، تا هنگامی که دولت فراگیر در افغانستان تشکیل شود، حل و فصل بحران‌های جاری در این کشور امری دور از انتظار خواهد بود



چیزی که جمهوری اسلامی ایران تا اینجا در قبال افغانستان تحت سرپرستی طالبان در پیش گرفته، بهترین سیاست بوده است؛ یعنی تأکید بر تشکیل دولت فراگیر، تا هنگامی که دولت فراگیر در افغانستان تشکیل شود، حل و فصل بحران‌های جاری در این کشور امری دور از انتظار خواهد بود

چیزی که جمهوری اسلامی ایران تا اینجا در قبال افغانستان تحت سرپرستی طالبان در پیش گرفته، بهترین سیاست بوده است؛ یعنی تأکید بر تشکیل دولت فراگیر، تا هنگامی که دولت فراگیر در افغانستان تشکیل شود، حل و فصل بحران‌های جاری در این کشور امری دور از انتظار خواهد بود

«ایران» مناسبات تهران و کابل را روایت می‌کند

پشت پرده شیطنت و اشنگتن برای اختلاف افکنی طالبان با تهران

گزارش

سیاست خارجی

بالا گرفتن اختلاف تهران و کابل بر سر حقایق هیرمند به همان میزان که فضای حاکم بر روند مناسبات جمهوری اسلامی با طالبان را روشن می‌کند، بر ابهام و پیچیدگی‌های آن نیز می‌افزاید. اگرچه تقلیل بحث درباره ایجاد این رابطه به موضوع حقایق، عرصه را خلوت‌تر و میدان دید را برای رصد و تحلیل وسیع‌تر می‌کند اما دلایل و متغیرهای دخیل در فرآز و فرودهای رابطه ایران و افغانستان پس از به دست‌گیری قدرت توسط طالبان، این روند را چندوجهی کرده است. در اهمیت پرداختن به این موضوع، اشاره به افزایش مشکلات کوآپی سیستمات و بلوچستان کافی است تا دوباره برخی به طالبان سخن بگویند. چنانکه معین‌الدین طالبان به عنوان جله‌ای از سیستان و بلوچستان (چاپهار) چند روز پیش تحت تأثیر بروز فشارهای ناشی از کوآپی در این استان به «تابناک» گفته است: «از راه دیپلماسی نمی‌توان این مشکل را حل کرد و همه گزینه‌ها باید مطرح شود.»

فارغ از موضوع «حقایق» که یکی از چندین موضوع مشترک در روند مناسبات تهران و کابل به شمار می‌رود، نمی‌توان از نسخه‌ای واحد و قطعی در مواجهه با طالبان سخن گفت و همین، تصمیم‌گیرندگان را در پیش‌بینی روند رابطه به تحفظ و خوشبینی‌داری سوق داده است. چه آنکه شرایط حاکم بر افغانستان نشان می‌دهد معادلات سیاسی تا چه حدی می‌تواند تحت الشعاع مجموعه مؤلفه‌هایی باشد که وقتی کنار هم قرار می‌گیرد، به سؤالاتی می‌انجامد که فعلاً پاسخ‌گفتن به آنها جز با قنبد «اگر» و «اما» میسر و منطقی نیست.

نه جنگ، نه صلح

چه چیزی ایران را به اتخاذ سیاست نه «پذیرش» نه «جنگ» با طالبان و در عین حال مذاکره غیرمستقیم با کشورهای مرتبط با افغانستان هدایت کرده است؟ پاسخ این پرسش را واقعیات موجود افغانستان می‌دهد. طالبان برخاک کشوری تسلط یافته که ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با ایران دارد، یک سوم مواد مخدر تولیدی‌اش با قاچاق راهی ایران می‌شود، هزاران نفر از اتباعش با گذرنامه رسمی در ایران هستند و هزاران نفر نیز به صورت غیرقانونی، پیشتر در دوره اول تسلط طالبان بر افغانستان و پیش از سقوط دولت

«اشرف غنی»، اگرچه افراط‌گری‌های اجتماعی طالبان به عنوان جله‌ای از ایدئولوژی‌اش با قرائت ایران از اسلام در تضاد و تناقض بود اما در همان دوره طالبان با وجود سخت‌گیری‌ها با برقراری امنیت و کاهش تولید مواد مخدر توانست پایگاه مردمی برای خود ایجاد کند که امروز به مثابه واقعیتی فراروی جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای طرف افغانستان قرار دارد؛ واقعیتی که ایران امروز در مواجهه با طالبان باید ایجاد دیگری از نظر بگرید. چه آنکه پای موضوعاتی همچون حقایق هیرمند، تجارت با افغانستان و صادرات بیش از ۲ میلیارد دلاری ایران به این کشور، جلوگیری از کم‌رنگ شدن توافقی ایران، هند و افغانستان درباره بندر چاپهار، امنیت مرزی و دغدغه ظهور دوباره گروه تروریستی داعش هم در میان است که باعث می‌شود هم‌زمان یک نوع سیاست مدارا-جویانه و هم‌زیستی فارغ از تنش با افغانستان از سوی ایران قابل انتظار باشد.

صحنه‌گردان پشت صحنه

برای تکمیل بحث ملاحظاتی که در تنظیم رابطه با طالبان، جواب این سؤال را هم باید داد که چه بازیگرانی سوازی این گروه، صحنه‌گردان کنونی افغانستان هستند؟ نخست، نیروهای داعش به سمت آسیای میانه که عمدتاً نیروهای غیرعرب‌زبان این گروه تروریستی هستند که راهی افغانستان می‌شوند. تهدید داعش چنان جدی است که فعلاً ایران و طالبان می‌توانند چشم بر اختلافات بیندند تا تجربه عراق و سوریه تکرار نشود. در سوریه و عراق اول داعش مستقر شد، بعد سرزمین را از آن پس گرفتند اما در افغانستان سیاست



اولیه بر جلوگیری از استقرار داعش است. در این میان گروه‌های موسوم به «داعش خراسان» هم به دنبال عرض اندام است. هدف «داعش خراسان» ایجاد نگرانی در آسیای مرکزی است تا بهانه‌ای برای استقرار پایگاه‌های نظامی امریکا در منطقه پیدا کنند. این در حالی است که امریکا با وجود فرمان خروج نیروهای نظامی‌اش از افغانستان، هنوز این کشور را رها نکرده و درصدد است از طریق طالبان، میان افغانستان و ایران درگیری ایجاد کرده و منطقه حائل دو طرف را بحرانی نگه دارد. چنانکه در حمله اخیر به سفارت ایران در کابل و سرکنسولگری، رد پای کسانی دیده شد که سابقه فعالیت‌هایشان از ارتباط اطلاعاتی با ایالات متحده حکایت می‌کند. بنابراین فشارهای اقتصادی و امنیتی واشنگتن به کابل و دامن زدن به موضوعات اختلافی تهران و کابل از جمله درباره حقایق هیرمند بی‌تأثیر از هدف بحران‌آفرینی غرب و دیگر بازیگران ذینفوذ در رابطه افغانستان و ایران نیست.

تبدیل طالبان به «بخشی» از بدنه قدرت و نه همه آن است

همچنین تلاش طالبان برای ساخت کانال آبی «قوش تپه» که از جمله طرح‌های قدیمی انتقال آب در شمال افغانستان است و در صورت تکمیل می‌تواند زنگ خطر بزرگی برای کشورهای آسیای میانه یعنی دولت تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان باشد، از جمله اقداماتی است که نشان می‌دهد به رغم ادعای طالبان مبنی بر تأمین بودجه این پروژه بزرگ از بودجه داخلی، مورد حمایت چراغ خاموش ایالات متحده قرار دارد. این اقدام و دیگر پروژه‌هایی که به‌طور غیرمستقیم در رابطه با جمهوری اسلامی در دستور کار است،

پاسخ خوبی به این پرسش می‌دهد که ۸ میلیارد دلاری که به گفته منابع آگاه «جو بایدن»، رئیس‌جمهور امریکا از زمان روی کار آمدن طالبان هزینه کرده است، در کجاها و ناظر بر چه اهدافی هزینه می‌شود.

ایران چه سیاستی در پیش گرفت؟

تحت تأثیر این متغیرها، مقام‌های ایران پس از قدرت‌گیری دوباره طالبان که آن را از نیرویی حاشیهای به ایفانکننده نقشی تعیین‌کننده در معادلات افغانستان تبدیل کرد، از اتخاذ تصمیمات شتابزده و احساسی اجتناب کرده‌اند. جمهوری اسلامی درباره به رسمیت شناختن قدرت این جریان در ساختار قدرت افغانستان ملاحظاتی داشته که بارها در مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم با نمایندگان این گروه مطرح کرده و همچنین در شروط بیانیه‌های صادرشده در چندین نشست بین‌المللی همسایگان افغانستان گنجانده است. در حالی که طالبان بر حاکمیت مطلق پشتون از فقه حنفی اصرار دارد، ایران خواستار تشکیل دولت فراگیر شده که تلاشی برای به رسمیت شناختن دیگر جریان‌های سیاسی افغانستان و تبدیل طالبان به «بخشی» از بدنه قدرت و نه همه آن است؛ خواسته‌ای که تاکنون مورد پذیرش اغلب کشورهای مشارکت‌کننده در اجلاس‌های مرتبط با افغانستان و حتی مورد گروه طالبان نیز قرار گرفته است. همچنین در شرایطی که کشورهای غربی به کمک سازمان ملل تلاش می‌کردند موضوع افغانستان را از مجاری بین‌المللی بویژه شورای امنیت سازمان ملل مورد پیگیری قرار دهند، ایران موفق شد موضوع افغانستان را به عنوان یک مسأله منطقه‌ای



فارغ از موضوع «حقایق» که یکی از چندین موضوع مشترک در روند مناسبات تهران و کابل به شمار می‌رود، نمی‌توان از نسخه‌ای واحد و قطعی در مواجهه با طالبان سخن گفت و همین، تصمیم‌گیرندگان را در پیش‌بینی روند رابطه به تحفظ و خوشبینی‌داری سوق داده

است. چه آنکه شرایط حاکم بر افغانستان نشان می‌دهد معادلات سیاسی تا چه حدی می‌تواند تحت الشعاع مجموعه مؤلفه‌هایی باشد که وقتی کنار هم قرار می‌گیرد، به سؤالاتی می‌انجامد که فعلاً پاسخ‌گفتن به آنها جز با قنبد «اگر» و «اما» میسر و منطقی نیست.

برجسته سازد و آن را در روند مذاکرات «همسایگان افغانستان» به جریان ببندارد.

لحاظ کردن اقتضات

این چنین است که ایران برای تصمیم‌گیری درباره بسیاری از موضوعاتی که در رابطه با طالبان مطرح است، اقتضات جاری را در نظر گرفته است. از بهر گذر این سیاست، تهدیدات مطرح در مرزهای شرقی کشور به کمترین سطح کاهش یافته است. در حالی که افغانستان در دوره حکومت «اشرف غنی» پایگاه‌های مرزی را به بهانه نداشتن بودجه تخلیه کرده بود تا داعش امکان ورود به منطقه را بیابد اما امروز این گروه با وجودی که خود را به هرات رساند اما هرگز نتوانست نزدیک مرزهای ایران شود. هرچند در ماه‌های اخیر مذاکرات متعددی برای حل و فصل بحران افغانستان جریان یافته اما این روند همچنان نیازمند تداوم و رسیدن به چشم‌اندازی روشن و شفاف‌تر است. چه آنکه چالش‌های مورد اشاره در این نوشتار، نشان می‌دهد مسیر ایران در تسهیل‌گری مذاکرات، تنظیم رابطه با طالبان و رسیدن به هدف تشکیل دولت فراگیر تا چه اندازه صعب‌العبور است. با این وجود، مناسبات ایران و جریان حاکم در کابل بی‌تأثیر از پازل مذاکرات منطقه‌ای نیست که در تلاش برای تثبیت ساختار قدرت و رویکرد سیاست خارجی افغانستان است. اما در این میان تنها از یک چیز می‌توان اطمینان داشت: تصمیمی برای ادامه سیاست کنونی ایران با طالبان وجود ندارد و همه تصمیمات در ریز سایه ملاحظات امنیتی و تأمین منافع ملی کشور گرفته می‌شود و نه عاملی دیگر.

هشدار تند تهران



افتتاح فاز دوم سد کجکی این بار هشدار تندتر رئیس‌جمهور را که اوایل سال جاری به استان سیستان و بلوچستان سفر کرده بود برانگیخت و خطاب به حکومت طالبان هشدار داد: «حرف من را جدی بگیرید تا بعداً گلایه نکنید.» کمتر از ۳ ماه پس از حسن کاظمی قمی، نماینده ویژه رئیس‌جمهور در امور افغانستان و سفیر ایران در کابل با اعلام اینکه سد کجکی روی هیرمند ۱.۷ میلیارد مترمکعب آب دارد اما ۶۰ درصد آن رسوب است، تصریح کرد که طالبان با سفر هیأت فنی ایران به منطقه برای سنجش سطح آب رودخانه هیرمند موافقت کرده است. این امر نشان می‌داد روند حل و فصل اختلافات میان ایران و طالبان بیش از آنچه در صحنه رسانه‌ای متأثر از اختلافات سیاسی نشان داده می‌شود، متوجه مشکلات فنی است که رفع و رجوع آن نیازمند بررسی‌های دقیق و همه‌جانبه کارشناسان و متخصصان در فضایی دور از هیاهو و جنجال‌سازی خبری و رسانه‌ای است، بویژه آنکه تا اینجا بر اساس آنچه تاکنون در بطن اختلاف بر سر حقایق هیرمند روی داده، این واقعیت معلوم شده که دولت سیزدهم در روند پیگیری خواسته‌های کشور در چهارچوب معاهده ۱۳۵۱ رویکرد جدیدی را برای حل این چالش تاریخی در پیش گرفته است؛ امری که پیگیری همه‌جانبه، جدی و عملی مقام‌های عالی کشور را تا تحقق کامل منافع کشور طلب می‌کند، چه آنکه عدم تعیین تکلیف این موضوع مهم، چشم‌اندازی جز خشک شدن رودخانه هیرمند و به تبع آن خشکی تالاب بین‌المللی هامون و در نتیجه آسیب‌های جبران‌ناپذیر بر معیشت جوامع محلی ندارد و در عین حال می‌تواند به تشدید خشکسالی غیر قابل جبران بینجامد.

رئیس‌جمهور، اهمیت پیگیری این موضوع را تا سر حد رسیدن به نتیجه دریافت و وزرای امور خارجه و نیرو را مأمور پیگیری این مهم کرد. این در حالی بود که سال گذشته بر خلاف تعهدات افغانستان، حجمی بیشتر از ۲۷ میلیون مترمکعب آب در چند نوبت رهاسازی آبی که صورت گرفت، وارد ایران نشد که این امر شکافی عمیق میان تعهدات مندرج در معاهده ۱۳۵۱ و اقدامات صورت گرفته را نشان می‌داد، اما با افتتاح فاز دوم سد کجکی که نه یک سد مخزنی بلکه سدی انحرافی با گنجایش

حقایق هیرمند؛ عزم رئیسی برای حل یک چالش تاریخی

زاویه



هیرمند رودخانه‌ای است که از افغانستان سرچشمه می‌گیرد و آبادانی و زندگی مردم آن سوی مرز یعنی منطقه سیستان و بلوچستان ایران را به خود گره زده است. انتظار می‌رفت چندین دهه پیش با انعقاد قراردادی که میان رژیم پهلوی و دولت وقت افغانستان در سال ۱۳۵۱ منعقد شد، راهی برای پایان این اختلاف بر سر حقایق هیرمند پیدا شده باشد اما در دوره نخست حاکمیت طالبان بر افغانستان (۱۳۸۰-۱۳۷۵) مسیر این رود به ایران بسته شد تا معلوم شود این قصبه سر دراز با روی کار آمدن دولت سیزدهم که افغانستان با قدرت‌گیری دوباره طالبان روبرو شده بود، سید ابراهیم

